

## کمیته پیگیری برداشت يك، پلان يك

شنبه دوم شهریور ۱۳۸۷

امان جلیلیان/فرزانه دارابی\*

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری با گذار از شرایط دشوار گزینش نمایندگی که در گذشته هنگام برگزاری مجامع عمومی خود با آن روبرو بود، اکنون به مرحله ای از تکامل رسیده که می تواند، با اقتدار و بی واهمه از آن چه تشکلات دیگر را واداشته تا با انشعابات کوچکتری فعالیت های خود را از سر بگیرند، ضمن تکیه بر اصل نفی قداست و مرجوعیت خود، راهش را ادامه دهد. نقطه قوت این مدعا اعلام طرح کمپین سراسری برای دفاع و پوشش اطلاع رسانی کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه است که هم اکنون توسط اعضاء و شورای نمایندگان این کمیته در حال برگزاری هرچه گسترده تر آن است. بسیاری از تشکلاتی که حق خودمی دانند بدون صحه گذاشتن بر اقدامات این کمیته، مراسمی از این دست رادر اس فعالیت های خود قرار دهند، به طور غیرمستقیم از این اقدامات علنی، تاسی پذیرفتند. به طور کلی عمده دست آورد کمیته پیگیری جهت ایجاد تشکل های آزاد کارگری در چند سال گذشته طرح و ایجاد فضای گفتمانی " تشکل های آزاد" بوده و توانسته این خواسته را در رؤس مطالبات کارگری تثبیت کند. همانگونه که در جامعه کارگری امروز شاهد آن هستیم از کارگران صنعتی ایران تایر تا نیشکر هفت تپه تا کوره پزخانه های ارومیه و قرچک ورامین هم اکنون بر این مطالبه مشروع پافشاری می کنند.

### کمیته پیگیری برداشت يك، پلان ۲

اگر چه آغاز شکل گیری کمیته پیگیری با موضوعیت قراردادان کارگران قراردادی و عدم پوشش های بیمه برای کارگاه های کمتر از بیست و پنج نفر یا چیزی در این حدود بود و اقدام عملی آن نیز جمع آوری نزدیک به پنج هزار امضاء و ارسال آن به وزارت کار جمهوری اسلامی ایران- سازمان جهان کار ILO و.... نیز اگر چه بعد از انجام اولین مرحله از فاز عملی طیف های بوجود آورنده این کمیته اندک اندک حول عقاید و نظریات خود از کمیته پیگیری فاصله گرفتند و هر کدام ضمن احترامی که به حق حضور دیگری داشتند- لاقلاً برای حفظ پرنسیپ هم شده بود- به سمت امور حیاتی تری که از نگاه آن روز اقتضاء می کرد، سوق داده شدند. کمیته پیگیری اما، با تاکید بر امر ایجاد تشکل های مستقل از دولت ضمن چالش هایی که در پیش داشت توانست حیات خود را تداوم بخشد و با پیوستن اعضاء جدید و فاقد چهره و تازه کار که بعضاً توانایی عمل آنها بر جا سنگین های میدان دار می چربید، اما فاقد پیشینه و تئوری روشنفکرانه تر بودند، ادامه شرایط بقای خود را فراهم آورد. همان طور که اشاره شد، کمیته پیگیری با فاصله گرفتن اجباری و ناخواسته از فاز روشنفکری دست اش کوتاه شد و ناچار مدتی در فضایی محفلی و سیال بود، اما این شرایط چندان به ضرر کمیته پیگیری رگم نخورد. چنان که توانست با گذر از کمند سکتاریسم حاصل از فضایی خاص که محافل دیگر هم کمابیش از آن در رنج هستند، با مراکز کارگری در داخل کارخانه ها پیوند عمیق تری فراهم آورد. ورود کارگرانی که پیشینه فعالیت آنها چندان قطور هم نبود از چشم جا سنگین ها دور نمی ماند. - (۱) ترکیب شورای نمایندگان

کمیته پیگیری و خلاء ایجاد شده با نمایندگانی از بدنه فعالان کارگری پر شد که بعضاً با ادبیات جنبش کارگری و صبغه چندین ساله‌اش چندان آشنا نبود. به گونه‌ای که در یکی از اطلاعیه‌های اخیر کمیته پیگیری مشاهده شد، کاربرد کلمات محجور که سابق بر این در ادبیات کارگری مشاهده نمی‌شد، کلمه ی مثل " مردم غیور" آمده بود که مخاطبین را دچار فرافکنی بیشتر می کرد.

برای نمونه می‌توان سخنان دکتر فریبرز رئیس دانا خطاب به کمیته پیگیری و بلاخص خانم مریم محسنی(شورای همکاری) اشاره کرد که حاکی از فضای پر تضاد روشنفکری - کارگری می‌باشد. در همین راستا آقای علیرضا ثقفی به عنوان روزنامه‌نگار به ILO راه یافت و محسن حکیمی اعضاء کمیته پیگیری را تکفیر کرد.

### کمیته پیگیری برداشت ۱۰۰ پلان ۳

یاد و خاطره آن بزرگ مرد بامداد شاعر، گرمی باد که می‌گفت ".... تا تنها دست آورد کشتار، جلیپاره بی قدر عورت ما باشد." اما دست آورد اعضاء و شورای نمایندگان که باید هم از تحلیل‌های شتابزده پرهیز می‌کرد و هم از خانه‌تکانی‌های پیاپی به سلامت می‌گذشت، سرانجام به يك خواست اجتماعی پیگیری و قدرتمند تبدیل شد. جنبش‌های اجتماعی-" کارگری، دانشجویی، زنان"- پیش از گذشته ایجاد تشکل مستقل از دولت را فراتر از دیگر مطالبات خود اعلام نمودند. به گونه‌ای که کمیته پیگیری هم اکنون اگر هم بخواهد، نمی‌تواند از عنوان کلی " ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری" که نافش بر آن اساس بریده شده فاصله بگیرد. ناگفته پیداست که طرح تغییر نام کمیته که از طرف برخی اعضاء زمزمه شده، تنها می‌تواند ماهیت غابی کمیته پیگیری را مخدوش نماید. و گو این که این خواست محدود کننده دامنه فعالیت کمیته می‌باشد و آن را وادار به پوست اندازی می‌کند تا تحت عنوان دیگری فعالیت خود را ادامه دهد؟!...؟. خواست تشکل‌یابی، در شرایطی که جوامع توسعه نیافته همواره از بالا به سوی " جامعه‌ای رماهایی" Mass Society سوق داده می‌شوند. اقدامی اصیل و بی‌شعبه است که بی‌گمان جواز ورود جامعه ما به جهانی است که نظام سلطه اش مشروعیت خود را بر مبنای اصول حقوق بشر و دموکراسی معنا می‌کند.

توسعه دموکراسی در گرو تداوم هر چه بیشتر بستر سازی شکل‌گیری تشکل‌های آزاد اجتماعی است. تشکل‌هایی قدرتمندی که قادر باشند انسداد يك جامعه رماهایی را به چالش بکشانند. افکار سنتی از واژه (دمکراسی) همان قدر مرعوب می‌شوند، که ذهنیت چپ سنتی، کم نیستند کسانی که جهت ارایه قرائت خاصی از این واژه از دیگران سبقت بگیرند. به طور نمونه برخی از احزاب چپ به شکل سنتی از شیذوفرنی يك توهم همواره معذب هستند و از به کارگیری این واژه مرتد ابا دارند. یا در نهایت آن را تمهید سرمایه داری جهت سلطه بخشی مشروع خود به حساب می‌آورند. این واقعیت انکار ناپذیر است که سرمایه داری جهانی با تولید روز افزون معرفت و به معنای مطلق جدا از قضاوت اخلاقی- خوب/ بد- و احاطه بر حوزه‌های آکادمیک و ابزارهای رسانه‌ایی.... شبه خود را در همه عرصه‌ها تکثیر کرده است. اما پیشینه و مدیریت اجتماعی دولت‌های توتالیتر هم چندان قابل دفاع نیست. هر چند فروپاشی آنها را به حساب توطئه دول سرمایه داری بر حق بدانیم- شعار برپایی جوامع دموکراتیک بر پایه آزادی حق تشکل، از این رو جانب‌دارانه می‌نماید، چون به شکلی بدیهی و غیر قابل انکار جوامع دموکراتیک مشروعیت خود را از سطوح پایین اجتماع یعنی همین تشکل‌های خودجوش اخذ می‌کنند. پیش شرط خروج از يك جامعه رماهایی خود گویای این ضرورت است. جامعه‌ایی که تنها بر مبنای "وحدت کلمه" با سرکوب اقلیت‌ها و تشکل‌های آزاد حیات رو به زوال خود را امکان

پذیر می‌کند، قادر به برداشتن اهرم فشار از روی تشکل‌های آزاد بلاخص تشکل‌های کارگری نخواهد بود.

### **کمیته پیگیری برداشت ۰۰۰۰ پلان ؛ (نمای پایان)**

در چنین شرایط آشوبناکی که يك سوی اوضاع منطقه‌ای به فتیله بمب هسته‌ای سنجاق شده و شرایط اجتماعی هم منبعث از آن انفجاری‌تر است، دولت مرکزی که رفته رفته پس از گذر خود سی سال به حقیقت سیم‌رخ رسیده، بیشتر از گذشته به ناکارآمدی رویای جامعه بی طبقه توحیدی خود اذعان دارد و اطمینان دارد که نهایت دستان گشوده نیروهای امنیتی را برای سرکوب و ربودن فعالان کارگری گشاده‌تر می‌کند. در این خلاء بسیار طبیعی می‌نماید که نیروهایی با قد و قواره‌ای از جنس دیگر ناگزیر وارد معرکه می‌شوند که به حق یا نه، تشکل‌های کارگری مستقل که در این چند ساله خود سند موجودیت خود را به ثبت رسانده‌اند، بلعیده شوند. یا بعضاً موجودیت مستقل آنها وانهاده خواهد شد... در چنین شرایطی اگر تشکل‌های مستقل از جمله کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری نتوانند موجودیت دمکراتیک و چند طیفی خود را برای ورود به حوزه‌های گسترده‌تر فرا چنگ آورند، بدون شك با امواج سهمناکی روبرو خواهند شد که جستن از برابر آنها کاری بس دشوار است و دیر یا زود دایره مطالبات و اعتراضات کارگری برهوت اجتماع رماهایی ما را در بر خواهد گرفت و دیگر کمیته‌ها و چنین تشکل‌هایی به شیوه کنونی قادر به سازماندهی مطلوب نخواهند بود. تجربه سقوط رژیم توتالیتار همسایه ثابت کرد که موج غارت و کشتار همگانی تنها دستاورد يك جامعه رماه ای است...

**امان جلیلیان/ فرزانه دارابی**

**۳۱ مرداد ۱۳۸۷**

\* نویسندگان از اعضای "کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری می‌باشند.